

دنبال پیدا کردن مسأله می‌رویم. در حال حاضر انگار خود شفافیت آرا هدف شده است. وقتی از نمایندگان می‌پرسیم که شفافیت چه مشکلی را حل خواهد کرد می‌گویند اصلاً ابزار نیست بلکه خودش هدف است.

نماینده اندیشکده شفافیت: در زمینه جو زدگی بنده نیز با شما موافق هستم و اگر نمایندگان مثلاً بخواهند به چشم بیابند اتفاق خوبی نیست ولی گاهی می‌گوییم مسأله خوبی وجود دارد که با آن نشان دهیم تغییری ایجاد شده است. اما نیت‌خوانی نکنیم، شاید نمایندگان مسأله را حلاجی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که طرح خوبی است ولی اگر بر ما مسلّم شود چنین چیزی هست بنده هم با شما موافق هستم. اما باید دید که نقطه مقابلش چیست؟ نقطه مقابلش یک مجلس آرمانی است که مبتنی بر آمار و مسایل دقیق، تأمل و تفکر می‌کند؟ هرگز چنین چیزی نیست. در مجالس قبل هم همان‌طور که نمی‌خواستند به مردم چیزی را اثبات کنند، کار خاصی هم نکرده‌اند.

در رابطه با هدف یا ابزار بودن نیز باید عرض کنم در فضای منطقی این گونه است که مشکلی را مطرح می‌کنیم و به دنبال ابزار برای حل آن می‌رویم. در حال حاضر، فضا یک فضای منطقی‌ای نیست و اگر حاکمیت هم به دنبال حل مشکلات باشد، در یک موضوع، در نهایت سالی یک یا دو مسأله را آن هم پس از آنکه آن‌ها را به شدت ساده‌سازی کرد، حل کند. ما در تعامل با مردم تلاش می‌کنیم کلیدواژه‌ها یا مفاهیمی را که به فهم عموم جامعه نزدیک شود در اولویت‌ها و در دغدغه‌هایشان بگذاریم و برای اصلاح ساختار از نیروی مردم استفاده کنیم. اگر می‌خواهیم که خودمان را در ساختار ببینیم و ساختار را اصلاح کنیم که ساختار چنین اجازه‌ای را نمی‌دهد و اگر نیرویی از بیرون هستید که می‌خواهید آن را اصلاح کنید، پشتوانه شما چیست؟ پشتوانه شما اگر قدرت مردمی بود شما توان اثرگذاری در این دیوان‌سالاری را ندارید. اگر می‌خواهید از پشتوانه مردمی استفاده کنید مردم پتانسیل فهم همه مسائل را ندارند. اما ما چقدر پتانسیل داریم که ذهن مردم را درگیر این مشکلات کنیم؟ پس باید در خارج از ساختار به دنبال اصلاح باشیم و اگر فردی بخواهد اصلاحی

انجام بدهد نیاز به پشتوانه دارد و در طول این سال‌ها کمپین‌های زیادی برگزار شده است ولی چندتای آن‌ها موفق شده‌اند که وارد توده مردم شوند. در حقیقت هنر این بوده است که با این کار، مجلس در ذهن مردم مسأله شود. وقتی نتیجه خوب است چه اشکالی دارد؟ شاید اتفاقاتی هم که دارد می‌افتد به ظاهر خوشایند خیلی‌ها نیست، اما در عمل یک اتفاق بزرگ می‌افتد؛ بیشتر تاریخ دارد به این سمت حرکت می‌کند. در فلسفه تاریخ لزوماً اتفاقاتی که در لحظه می‌افتند اتفاقات مثبتی نیستند، ولی برآیند و برآورد این اتفاقات، اتفاقات مثبتی است؛ فلاسفه غرب و شرق همگی معتقدند که تاریخ به سوی خیر در حرکت است.

فردی به نام الکسی دوتوکویل کتابی مشهور به نام دموکراسی در آمریکا دارد. او در زمانی که فرانسه در دل آشوب است و انقلاب‌های پشت سر هم جامعه را بسیار متزلزل کرده بود، برای بررسی آمریکا به ایالات متحده می‌رود و با نظام متحول‌تری روبه‌رو می‌شود. ایشان در مقدمه کتابش می‌نویسد: «من که اتفاقات فرانسه را رصد می‌کردم و سقوط و ظهور حکومت‌های سلطنتی و جمهوری را می‌دیدم، آن اتفاقات در لحظه خودش اتفاقات بدی است ولی وقتی برآیند این‌ها را نگاه می‌کنم به یک جا می‌رسد و آن برابری انسان‌ها است و آن ارزشی که باعث می‌شود جامعه پیشرفت و حرکت کند برابری است.» همچنین مانند مسأله برج‌ها که رهبر

» شفافیت آرا از جمله بحث‌هایی است که مسائل تخصصی را میان عوام و خواص مطرح می‌کند در حالی که به دلیل ماهیت تخصصی‌اش خیر و شر آن خیلی واضح نیست. تشخیص خوب و بد بودن برخی مسائل نیاز به شمّ تخصصی دارد. طبیعتاً تعداد عوام بیشتر است و در این صورت، نماینده مجلس بیشتر تحت تأثیر آرای خواص مانند اندیشکده‌ها خواهد بود یا تحت تأثیر عوامی که در دوره‌های بعد به او می‌خواهند رأی بدهند؟ پس در اینجا مسأله جدی می‌شود. گویی فرمان کشور دست ۲۹۰ نفری می‌افتد که همه می‌بینند فرمان را به کدام سمت می‌چرخاند، حال از همه دعوت می‌شود که این مباحث تخصصی را نیز نقد کنید که در همین‌جاست که کلیدواژه پوپولیسم پدید می‌آید. یک چیزی ظاهرش خوب است ولی متخصص آن می‌داند که باطنش زهر است. همچنین شما

۶۶

انقلاب با آنکه می‌توانستند جلوی آن را بگیرند، ولی اجازه دادند مردم در این زمینه رشد کنند و طبیعتاً هزینه نیز دادند. مسأله شفافیت نیز این طور باید معنا شود؛ ممکن است بر سر شفافیت هزینه بدهیم. ایرادی ندارد، بگذارید هزینه دهیم اما مردم رشد کنند، مردم بفهمند که پوپولیسم اشتباه است، چه کسی دروغ می‌گوید چه کسی راست می‌گوید، مردم در حوزه عمومی دخالت کنند. در کوتاه‌مدت شاید از شفافیت ضربه بخوریم ولی در بلندمدت نتیجه‌ای که حاصل می‌شود برابری است و رشد مردم است.

نماینده اندیشکده شفافیت: بله؛ البته ما می‌گوییم شفافیت آرا همه چیز نیست، چون زنجیره شفافیت اتفاق نیفتاده است؛ من اصل شفافیت را هدف می‌گیرم، منتها شفافیتی که با زنجیره‌اش اتفاق بیفتد.

ورود مباحث تخصصی میان عوام

نماینده اندیشکده سیاست‌گذاری امیرکبیر: ما با اصل شفافیت موافق هستیم و خودمان در این زمینه فعالیت‌هایی داشته‌ایم. مسأله در اینجا نیست بلکه سؤال این است که چرا مسأله شفافیت آرای نمایندگان مطرح شده است؟ شفافیت آرا از جمله بحث‌هایی است که مسائل تخصصی را میان عوام و خواص مطرح می‌کند در حالی که به دلیل ماهیت تخصصی‌اش خیر و شر آن خیلی واضح نیست. تشخیص خوب و بد بودن برخی مسائل نیاز به شمّ تخصصی دارد. طبیعتاً تعداد عوام بیشتر است و در این صورت، نماینده مجلس بیشتر تحت تأثیر آرای خواص مانند اندیشکده‌ها خواهد بود یا تحت تأثیر عوامی که در دوره‌های بعد به او می‌خواهند رأی بدهند؟ پس در اینجا مسأله جدی می‌شود. گویی فرمان کشور دست ۲۹۰ نفری می‌افتد که همه می‌بینند فرمان را به کدام سمت می‌چرخاند، حال از همه دعوت می‌شود که این مباحث تخصصی را نیز نقد کنید که در همین‌جاست که کلیدواژه پوپولیسم پدید می‌آید. یک چیزی ظاهرش خوب است ولی متخصص آن می‌داند که باطنش زهر است. همچنین شما